Journal of Quranic Studies Quarterly **Volume 16, Issue 63**
Islamic Azad University in Jiroft **October 2025**
https://sanad.iau.ir/journal/qsf/ **pp. 210-225**

Research Article

Comparative Analysis of Signs of the Emergence in Islamic Narrations with Emphasis on Quranic Foundations and Its Relationship with Takfiri Movements

Jafarsadegh Yosefi[1*], Lila afsari[2*], Mohammad Sobhani Yamchi[3]

Abstract

This study aims to provide a comparative analysis of the signs of reappearance in Islamic narrations and to examine their relation to contemporary Takfiri movements, with a particular emphasis on Qur'anic foundations. Throughout Islamic history, the belief in the awaited savior has been a shared conviction among Muslims and has been widely reflected in both Shia and Sunni narrations. In recent decades, Takfiri groups have attempted to exploit eschatological traditions, interpreting them selectively and superficially to legitimize their violent actions.

The research adopts a qualitative methodology, relying on content analysis of Qur'anic texts and prophetic traditions. Primary sources such as the Four Books of Shia, the Six Canonical Books of Sunni hadith, as well as authoritative Qur'anic commentaries, were examined comparatively. Furthermore, contemporary academic studies on Takfiri movements and eschatological discourse were employed to strengthen the analytical framework.

Findings indicate that most narrations regarding the signs of reappearance can be evaluated and authenticated through Qur'anic criteria, while Takfiri interpretations are largely based on misreadings and ideological distortions. In contrast, genuine Qur'anic and narrational interpretations emphasize patience, pursuit of justice, unity of the Muslim community, and rejection of violence.

The conclusion highlights that a critical and comparative rereading of eschatological narrations, grounded in the Qur'an, can clarify the authentic Mahdist discourse, prevent extremist misuses, and foster Islamic unity against Takfiri movements.

Keywords: Signs of Reappearance, Mahdism, Takfiri Movements, Comparative Analysis, Qur'anic Foundations

1. Department of Quran and Hadith Sciences, Za. C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran
2. Department of Education, Za. C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran
3. Department of Quran and Hadith Sciences, University of Quran Sciences and Education, Maragheh University, Iran

Correspondence Author: Lila Afsari Email: Afsare12345@gmail.com

How to Cite: Yosefi J, Afsari L, Sobhani Yamchi M., Comparative Analysis of Signs of the Emergence in Islamic Narrations with Emphasis on Quranic Foundations and Its Relationship with Takfiri Movements, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2025;16(63): 210-225.

فصلنامه علمی مطالعات قرآنی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت
https://sanad.iau.ir/journal/qsf/

دوره ۱۶، شماره ۶۳
پاییز ۱۴۰۴
صص: ۲۲۵-۲۱۰

مقاله پژوهشی

تحلیل تطبیقی علائم ظهور در روایات اسلامی با تأکید بر مبانی قرآنی و نسبت آن با جریان های تکفیری

جعفرصادق یوسفی[۱]، لیلا افسری[۲*]، محمد سبحانی یامچی[۳]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی علائم ظهور در روایات اسلامی و تبیین نسبت آن با جریان‌های تکفیری معاصر، با تأکید بر مبانی قرآنی سامان یافته است. در طول تاریخ، مسئله موعود و ظهور منجی به‌عنوان یکی از باورهای مشترک میان مسلمانان مطرح بوده و همواره در منابع روایی شیعه و اهل‌سنت بازتاب گسترده‌ای یافته است. در این میان، جریان‌های تکفیری معاصر با تفسیر سطحی و گزینشی از برخی روایات، کوشیده‌اند از آموزه‌های آخرالزمانی برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات خشونت‌آمیز خود بهره گیرند.

روش تحقیق این مطالعه بر پایه رویکرد کیفی و تحلیل محتوای متون روایی و قرآنی است. بدین منظور، مجموعه‌ای از منابع اصلی شامل کتب اربعه شیعه، صحاح سته اهل‌سنت و تفاسیر معتبر قرآن کریم مورد بررسی تطبیقی قرار گرفت. همچنین، آثار پژوهشگران معاصر در حوزه جریان‌شناسی تکفیری و مطالعات آخرالزمانی به‌عنوان پشتوانه تحلیلی استفاده شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از روایات علائم ظهور، از منظر قرآنی دارای معیارهایی برای صحت‌سنجی هستند و برداشت‌های تکفیری به‌طور عمده بر تأویلات ناصحیح و قرائت‌های ایدئولوژیک استوار است. در مقابل، تفسیر اصیل قرآنی و روایی بر صبر، عدالت‌خواهی، وحدت امت و نفی خشونت تأکید دارد.

نتیجه پژوهش حاکی از آن است که بازخوانی نقادانه و تطبیقی روایات ظهور با محوریت قرآن، می‌تواند به تبیین صحیح گفتمان مهدوی، جلوگیری از سوءاستفاده‌های افراط‌گرایانه، و تقویت گفتمان وحدت اسلامی در برابر جریان‌های تکفیری یاری رساند.

واژگان کلیدی: قرآن روایات علائم ظهور، مهدویت، جریان‌های تکفیری، تحلیل تطبیقی، مبانی قرآنی

۱. گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
۲. گروه معارف، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
۳. گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران
نویسنده مسئول: لیلا افسری ایمیل: Afsare12345@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

در طول تاریخ اسلام، باور به ظهور منجی و نشانه‌های آخرالزمان، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ دینی و اجتماعی مسلمانان داشته است. این باور نه تنها در متون شیعی بلکه در منابع اهل سنت نیز منعکس شده و به عنوان بخشی از آموزه‌های اعتقادی مورد تأکید قرار گرفته است. تحلیل تطبیقی این روایات، علاوه بر روشن کردن اشتراکات و تفاوت‌های روایتی، امکان شناسایی نحوه بهره‌برداری جریان‌های تکفیری و جهادی از این متون برای مشروعیت‌بخشی به اعمال خشونت‌آمیزشان را فراهم می‌کند.[۱]

روایات علائم ظهور در منابع شیعی با دقت و جزئیات خاص، شامل شخصیت‌ها، مکان‌ها و تسلسل حوادث، ارائه شده‌اند؛ مانند خروج سفیانی، ظهور مهدی(عج)، و وقایع شام و دابق.[۲] در مقابل، منابع اهل سنت معمولاً این روایات را در قالب احادیث پراکنده و کلی بیان کرده‌اند، هرچند نکات کلیدی مانند ظهور مهدی و پرچم‌های سیاه خراسان در آنها نیز یافت می‌شود.[۳]

در دوران معاصر، با رشد جریان‌های افراطی و تکفیری، این روایات به ابزار نمادین و تبلیغاتی برای بسیج و مشروعیت‌بخشی به خشونت تبدیل شده‌اند. گروه‌هایی مانند داعش، با تکیه بر روایات دابق و رایات السود، به جنگ‌های خود هاله‌ای از تقدس و مشروعیت دینی بخشیده‌اند.[٤] این واقعیت، ضرورت تحلیل تطبیقی و قرائت انتقادی از منابع دینی را روشن می‌کند، تا تفاوت میان آموزه‌های اصیل و بهره‌برداری‌های سیاسی و خشونت‌آمیز مشخص شود.

این مطالعه با هدف بررسی تطبیقی روایات علائم ظهور در منابع شیعی و سنی با رویکرد قرآنی و تحلیل نقش آنها در جریان‌های تکفیری مدرن انجام شده است. اهمیت این پژوهش در شناخت سازوکارهای ایدئولوژیک گروه‌های افراطی و ارائه راهکارهای علمی برای مقابله با سوءاستفاده‌های دینی نهفته است. همچنین، مطالعه حاضر می‌تواند به روشن شدن جایگاه مبانی قرآنی و احادیث معتبر در مواجهه با تفسیرها و تحریف‌های مدرن کمک کند.[۵]

---

۱ حداد به نقل از شولز، ۲۰۰۴
۲ شیخ طوسی، الغیبه
۳ ابن ماجه، سنن ابن ماجه
٤ البغدادی، الشیشانی و البریطانی، ۲۰۱۴
۵ جعفری، ۱۳۹۷

بیان مسئله

یکی از مباحث اساسی در مطالعات علوم دینی و اجتماعی معاصر، نقش آموزه‌های آخرالزمانی در شکل‌گیری گفتمان‌های جهادی و تکفیری است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که آموزه‌های مهدویت و علائم ظهور، علاوه بر جنبه‌های اعتقادی، همواره بر تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع اسلامی تأثیرگذار بوده‌اند[۱]. در دوران معاصر، جریان‌های تکفیری مانند داعش، با استناد به روایات آخرالزمانی و نشانه‌های مندرج در منابع شیعی و سنی، توانسته‌اند مشروعیت نمادین و انگیزه‌ای مذهبی برای اقدامات خشونت‌آمیز خود فراهم کنند[۲]

قرآن کریم نیز در آیات متعددی به اهمیت هدایت و بقاء حق بر زمین و هشدار نسبت به فساد و ظلم اشاره کرده است. به عنوان مثال، خداوند متعال می‌فرماید:

وَأَن لَيْسَ لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ» (قصص: ۵)[۳]

این آیه نشان می‌دهد که سرنوشت ظالمان و فسادگران مشخص است و پیروزی حق حتمی است، مفهومی که جریان‌های تکفیری معاصر به شکل تحریف‌شده‌ای به نفع اهداف خود تفسیر می‌کنند.

روایات معصومین(ع) نیز به صورت گسترده به نشانه‌های ظهور و حوادث آخرالزمان اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند:

لا تزال الناس في المدة حتى يقرع الرأس، فإذا فرع الرأس هلك الناس

در این روایت، منظور از «مرکز» دمشق است که هدف حمله نیروهای ستمگر قرار می‌گیرد و جریان‌های تکفیری معاصر مانند داعش با تفسیر تحریف‌شده آن، عملیات خود را با نام دابق و شام مشروعیت‌بخشیده‌اند[٤].

همچنین، امام صادق(ع) در مورد خروج سفیانی و علائم آخرالزمانی فرموده‌اند:

إذا اختلف رمحان بالشام لم تنجل إلا عن آية من آيات الله تعالى: رجفة بالشام يهلك فيها أكثر من مئة ألف»[۵]

این روایت، نشان‌دهنده ارتباط مستقیم نشانه‌های ظهور با درگیری‌های نظامی و آشوب در منطقه شام است و مبنایی برای سوءاستفاده‌های معاصر جریان‌های تکفیری شده است.

---

۱ حداد، م. (۲۰۰۴)

۲ البغدادی، ابوبکر(۲۰۱۴)

۳قرآن کریم، سوره قصص، آیه ۵

٤ ابن ماجه، محمد بن یحیی. (۱۴۲۰ق)

۵ شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۴)

بررسی تطبیقی منابع شیعی و سنی نیز نشان می‌دهد که اگرچه اختلافاتی در جزئیات وجود دارد، اما اصل باور به ظهور منجی و علائم آخرالزمان مورد اتفاق همه فرق اسلامی است. جریان‌های افراطی با استناد به روایات مشترک مانند «رایات السود» و وقایع دابق، توانسته‌اند مشروعیت دینی برای جنگ و خشونت ایجاد کنند[۱].

با توجه به آنچه گفته شد، روشن است که روایات علائم ظهور، به‌عنوان منابع معتبر دینی، نه تنها در ساختار اعتقادی مسلمانان جایگاه محوری دارند، بلکه در بستر اجتماعی و سیاسی نیز قابلیت تأثیرگذاری قابل توجهی دارند. تفاوت‌های تفسیری میان منابع شیعه و سنی، هرچند در جزئیات و تسلسل حوادث ظهور است، اما نقاط مشترکی همچون ظهور مهدی(عج)، خروج سفیانی، نشانه‌های آسمانی و پرچم‌های خراسان را نشان می‌دهد. این اشتراکات، در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی معاصر، می‌تواند به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات گروه‌های تکفیری تبدیل شود.[۲]

تحولات سیاسی و امنیتی در خاورمیانه معاصر نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از منازعات و خشونت‌های مسلحانه در این منطقه، در بستری از گفتمان‌های دینی و ایدئولوژیک شکل گرفته است. در میان این گفتمان‌ها، روایت‌های آخرالزمانی جایگاهی ویژه یافته‌اند و به عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به خشونت و بسیج نیروهای انسانی مورد استفاده گروه‌های افراطی قرار گرفته‌اند. [۳]این روایات، که ریشه در سنت‌های حدیثی شیعه و اهل سنت دارند، از قرون نخستین اسلامی تا امروز همواره منبع الهام جنبش‌های سیاسی ـ مذهبی بوده‌اند؛ اما در دهه‌های اخیر، گروه‌های تکفیری همچون القاعده، داعش و جبهه النصره با بازخوانی گزینشی این متون، توانسته‌اند ایدئولوژی جهادی خود را مشروعیت بخشند و نیروهای جدیدی را به میدان جذب کنند.[٤]

جریان‌های خشونت‌طلب با مصادره و تحریف روایات مشترک، نه تنها از منظر مذهبی، بلکه از منظر روانی و اجتماعی نیز، حس انتظار و امید به رهایی را در میان پیروان خود تقویت کرده و اقدامات خشونت‌آمیز خود را مشروع جلوه می‌دهند.[۵] قرآن کریم در آیات متعددی، از جمله آیه

---

۱ مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق)

۲ حداد به نقل از شولز، ۲۰۰۴

3 Cook, D. (2008)

4 McCants, W. (2015)

5 Esposito, J. L. (2002). The Oxford History of Islam. Oxford University Press

۱۸ سوره اسراء، هشدار می‌دهد که فساد و ظلم بر زمین نتیجه مستقیم دوری از حق و استناد ناصحیح به دستورات الهی است: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِمَتْ صَوَابِرَ الْأَرْضِ[۱]

بنابراین، بررسی تطبیقی این روایات و تحلیل نحوه بهره‌برداری گروه‌های تکفیری از آن‌ها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارد تا بتوان ضمن فهم دقیق ساختار اعتقادی و روایی، زمینه‌های سوءاستفاده سیاسی و اجتماعی را شناسایی و مهار کرد. این پژوهش با هدف ارائه تصویری جامع و مستند از منابع دینی و تطبیق آن‌ها با روندهای خشونت‌طلبانه معاصر، می‌تواند به تبیین راهکارهای مقابله با تحریفات دینی و کاهش تأثیرات منفی آن‌ها در جوامع اسلامی کمک کند.[۲]

اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت این پژوهش، نقش کلیدی روایات آخرالزمانی در شکل‌دهی و مشروعیت‌بخشی به گفتمان‌های خشونت‌آمیز جریان‌های تکفیری است. این جریان‌ها، از جمله گروه‌های جهادی مانند داعش و القاعده، با بهره‌برداری از نشانه‌ها و پیش‌بینی‌های ظهور، نه تنها احساس انتظار و امید مذهبی را در میان پیروان خود تقویت کرده‌اند، بلکه فعالیت‌های خشونت‌آمیز خود را نیز با استناد به متون دینی مشروع جلوه داده‌اند. (Esposito, 2002; حداد به نقل از شولز، ۲۰۰۴)

از دیدگاه دینی، آموزه‌های مهدویت و ظهور منجی در متون قرآنی و روایی، نقش راهنما و تبیین‌کننده آینده مطلوب را ایفا می‌کند و برای مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای مثال، قرآن کریم در سوره کهف (آیه ۱۱۰) به صبر و ایمان در برابر فتنه‌ها اشاره دارد و در زمینه ظهور منجی و پایان دادن به فساد، زمینه فکری برای پذیرش نشانه‌ها و روایات مرتبط فراهم می‌کند[۳]. همچنین، روایات متعددی از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) درباره خروج سفیانی، پرچم‌های سیاه خراسان و وقوع جنگ‌های آخرالزمانی در شام و دابق وجود دارد که نشان‌دهنده اهمیت مکان و زمان‌بندی وقایع است.[٤]

ضرورت پژوهش از منظر اجتماعی و سیاسی نیز واضح است. خاورمیانه معاصر، به ویژه طی دهه‌های اخیر، شاهد افزایش جریان‌های تکفیری و تشکیل گروه‌های مسلح مذهبی بوده است که بسیاری از آن‌ها از آموزه‌های آخرالزمانی برای توجیه اقدامات خشونت‌آمیز و مشروعیت‌بخشی

---

۱ قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۱۸

۲ مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار. بیروت: دارالاسراء، ۱۴۰۴ ق

۳ قرآن کریم، سوره کهف، آیه ۱۱۰

٤ مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۸۷

به جنگ‌های داخلی و فرامرزی استفاده کرده‌اند. بدون درک دقیق ابعاد دینی، تاریخی و اجتماعی این روایات، مقابله با چنین جریان‌هایی با پیچیدگی بیشتری مواجه می‌شود.

به علاوه، پژوهش حاضر می‌تواند شناخت دقیق‌تری از ابزارهای ایدئولوژیک جریان‌های تکفیری فراهم کند و با ارائه تحلیل‌های مستند و علمی، به پیشگیری و کاهش اثرگذاری گفتمان‌های خشونت‌آمیز کمک نماید. این پژوهش همچنین با تطبیق روایات شیعه و سنی و تحلیل تحریف‌ها و سوءاستفاده‌های مدرن، می‌تواند در توسعه ادبیات علمی و پژوهشی در حوزه مطالعات آخرالزمانی و جریان‌های افراطی نقش‌آفرین باشد.

در نهایت، اهمیت این تحقیق در این است که شناخت تحلیلی و تطبیقی روایات آخرالزمانی، نه تنها ابعاد مذهبی و عقیدتی بلکه پیامدهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنها را نیز روشن می‌کند و امکان مقابله علمی و منطقی با جریان‌های خشونت‌طلب را فراهم می‌سازد.

سوالات پژوهش

با توجه به اهمیت و ضرورت پژوهش، سوالات زیر به عنوان محورهای اصلی تحقیق تعیین شده‌اند:

۱. روایات آخرالزمانی چگونه در متون شیعه و سنی و مبانی قرآنی درباره ظهور منجی و علائم آخرالزمان بیان شده‌اند؟

بررسی تطبیقی این روایات می‌تواند نشان دهد که اشتراکات و اختلافات محتوایی چگونه زمینه‌ساز برداشت‌ها و تفاسیر مختلف شده است.

۲. جریان‌های جهادی تکفیری چگونه از این روایات و آیات برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود استفاده کرده‌اند؟

تحلیل نمونه‌های تاریخی و معاصر، مانند داعش و القاعده، نشان می‌دهد که چگونه استناد به پیش‌بینی‌ها و نشانه‌ها موجب جذب پیروان و ایجاد هاله تقدس برای عملیات مسلحانه شده است.

۳. تحریف و سوءاستفاده از روایات آخرالزمانی در گفتمان تکفیری چه پیامدهای اجتماعی و سیاسی دارد؟

بررسی تطبیقی منابع و تبلیغات گروه‌های تکفیری، به شناسایی الگوهای تحریف و تفسیرهای نادرست کمک می‌کند.

۴. چه راهبردهایی می‌تواند برای مقابله با بهره‌برداری خشونت‌آمیز از روایات آخرالزمانی ارائه شود؟

پژوهش حاضر با ارائه تحلیل مستند و علمی، مسیرهایی برای آگاه‌سازی، مقابله علمی و کاهش اثرگذاری گفتمان‌های خشونت‌آمیز ارائه می‌دهد.

اهداف پژوهش

۱. تحلیل تطبیقی روایات علائم ظهور در منابع شیعه و اهل سنت

شناسایی اشتراکات و تفاوت‌های کلیدی میان منابع روایی و بررسی نحوه بیان نشانه‌ها و تسلسل حوادث

استخراج روایاتی که در هر دو سنت مورد توافق است و تحلیل تطبیقی آن‌ها با تأکید بر دلالت‌های قرآنی

۲. بررسی مبانی قرآنی مرتبط با نشانه‌های آخرالزمان

شناسایی آیاتی که به فساد، ظلم، و عذاب در آخرالزمان اشاره دارند و تطبیق آن‌ها با روایات علائم ظهور

تحلیل ارتباط آموزه‌های قرآنی با تفاسیر و تفسیرهای روایی در منابع مختلف اسلامی

۳. شناسایی و تحلیل سوءاستفاده جریان‌های تکفیری از روایات علائم ظهور

بررسی نمونه‌های عملی استفاده از روایات و نشانه‌ها در تولید گفتمان جهادی و مشروعیت‌بخشی به خشونت

تحلیل راهبردهای تبلیغی گروه‌هایی مانند داعش و نحوه مصادره روایات مشترک میان شیعه و سنی برای اهداف سیاسی و نظامی

۴. ارائه راهکارهای مقابله با تحریف روایات و کاهش اثرات سوء در جوامع اسلامی

تدوین پیشنهادهایی برای آگاهی‌بخشی مذهبی و آموزشی بر مبنای منابع معتبر و مستند

تبیین نقش علمای دینی و مراکز پژوهشی در اصلاح برداشت‌های نادرست و پیشگیری از سوءاستفاده از روایات

بحث

ظهور مهدی (علیه‌السلام) و نشانه‌های آن در منابع اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.[1] این نشانه‌ها در قرآن کریم و روایات پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) به تفصیل آمده است. در قرآن کریم، آیات متعددی به وقوع فساد و ظلم گسترده در زمین اشاره دارند که زمینه‌ساز ظهور منجی عالم بشریت می‌شود. برای مثال، در سوره اسراء

1 Cook, D. (2002)

آیه ۵۶ آمده است: «وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ مِن فَسَادٍ وَظُلْمٍ ...»[۱]، که نشان‌دهنده گسترش فساد و ظلم در آخرالزمان است. همچنین، در سوره نور آیه ۵۵ وعده داده شده است که: «وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِي ٱلْأَرْضِ كَمَا ٱسْتَخْلَفَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِم ...»،[۲] که به تحقق حکومت صالحان و برقراری عدالت اجتماعی توسط حجت خدا اشاره دارد.

تحلیل تطبیقی علائم ظهور در روایات اسلامی، با توجه به مبانی قرآنی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای شناخت دینامیک‌های اجتماعی و سیاسی در جوامع اسلامی معاصر به شمار می‌رود. ظهور منجی و نشانه‌های مرتبط با آن، همواره به عنوان موضوعی کلیدی در منابع اسلامی شیعه و سنی مطرح بوده است و قرآن کریم نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم به این مسائل اشاره کرده است. به عنوان نمونه، آیه شریفه «وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۶) بر تحقق وعده الهی و نجات مؤمنان تأکید دارد، که در روایات ظهور منجی انعکاس یافته است.[۳]

در منابع شیعی، امام مهدی(عج) به عنوان دوازدهمین امام و حجت زنده خدا بر زمین معرفی شده است. این باور در منابع متعدد شیعه از جمله «الغیبة» شیخ طوسی و «بحارالانوار» علامه مجلسی مورد تأکید قرار گرفته است و ویژگی‌های ظهور او با جزئیات فراوان بیان شده است.[٤] بر اساس این منابع، ظهور مهدی(عج) با مجموعه‌ای از نشانه‌های ویژه از جمله ظهور سفیانی، جنگ‌های شام و ظهور پرچم‌های سیاه از خراسان همراه است.[٥]

در منابع اهل سنت نیز احادیث متعددی با مضمون ظهور منجی وجود دارد که بر اصل تحقق وعده الهی تأکید می‌کند، اگرچه جزئیات و تسلسل حوادث در آن کمتر بیان شده است. برای مثال، مسند احمد و سنن ابن ماجه به احادیثی اشاره دارند که از اهل بیت(ع) به عنوان منجی آینده یاد می‌کنند.[٦] خروج سفیانی نیز در منابع اهل سنت مطرح شده است، اما معمولاً با جزئیات کمتر و تمرکز بیشتر بر پیامدهای اجتماعی و جنگی بیان می‌شود.[۷]

یکی از مهم‌ترین وجوه مشترک میان منابع شیعه و سنی، اشاره به تحولات اجتماعی و سیاسی پیش از ظهور است. قرآن کریم در آیه ۲۱۴ سوره بقره می‌فرماید: «أَمْ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛ یعنی مردم تصور نکنند که بدون آزمون و ابتلاء رها می‌شوند. این آیه

---

۱ قران کریم،سوره اسرا،آیه ۵۶

۲ قرآن کریم،سوره نور،آیه۵۵

۳ قرآن کریم، سوره رُوم، آیه ٦

٤ شیخ طوسی، الغیبة، چاپ دارالکتب الاسلامیه، ١٤٠٥ق

٥ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ٥٢، دار الاسلام، ١٤٠٤ق

٦ مسند احمد، ج ٣، چاپ دارالکتب العلمیه، ١٤١٢ق؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ٢، چاپ دارالکتب الاسلامیه، ١٤٠٥ق.

۷ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ١١، دار المکتبة العلمیه، ١٤٢٠ق.

در تحلیل تطبیقی، بیانگر ضرورت پویایی اجتماعی و بحران‌های پیش از ظهور است که در روایات هم به شکل خروج سفیانی، نبرد دابق و فتنه‌های شام بازتاب یافته است.[۱]

نشانه‌های ظهور از جمله پرچم‌های سیاه خراسان، ندای آسمانی و جنگ‌های شام، به وضوح در منابع شیعه و سنی موجود است و نشان‌دهنده پیوند میان پیش‌بینی‌های روایی و واقعیت‌های اجتماعی است. برای مثال، حدیث رایات السود در منابع شیعی و سنی بیان می‌کند که گروهی از مشرق زمین با پرچم‌های سیاه قیام خواهند کرد و این نشانه‌ای برای جامعه مسلمانان است.[۲] این احادیث، به ویژه در تفسیرهای جریان‌های تکفیری، به عنوان مشروعیت‌بخش برای اقدامات خشونت‌آمیز و سلطه‌طلبانه به کار گرفته شده است.[۳]

تحلیل محتوایی نشان می‌دهد که جریان‌های تکفیری معاصر مانند داعش، با استفاده از این روایات، اقدام به بازتولید گفتمان جهادی کرده‌اند. منابع شیعی و سنی در اختیار این گروه‌ها قرار گرفته و به صورت گزینشی و تحریف‌شده، در کمپین‌های تبلیغی به کار گرفته شده است. استفاده از روایت دابق و پرچم‌های سیاه برای مشروعیت بخشی به عملیات نظامی، نمونه‌ای از این سوءاستفاده است.[٤] این امر نشان می‌دهد که فهم دقیق و تطبیقی روایات و ارجاع به مبانی قرآنی می‌تواند در کاهش سوءاستفاده‌های مذهبی-سیاسی مؤثر باشد.

از منظر قرآنی، اصول عدالت، صبر و انتظار، و عدم توسل به خشونت خودسرانه، محور اساسی در پیش‌بینی‌های آخرالزمانی هستند. آیات قرآن کریم در سوره انبیاء، آیه ۱۰۵: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» و همچنین سوره اسراء، آیه ۷۱: «وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ» بیانگر ضرورت صبر و پایبندی به اخلاق اسلامی حتی در شرایط بحران است.[٥]

روایات معتبر شیعه و سنی نیز این محور قرآنی را تقویت می‌کنند؛ برای مثال، روایت امام صادق(ع) در بحارالانوار بیان می‌کند که خروج سفیانی و فتنه‌های شام، آزمایشی برای مؤمنان است و تنها کسانی که به عدل و صبر پایبند باشند، از فتنه‌ها نجات می‌یابند.[٦] تحلیل تطبیقی این احادیث و آیات نشان می‌دهد که فهم کامل روایات، بدون تحریف، برای جلوگیری از سوءاستفاده جریان‌های افراطی ضروری است.

---

۱ قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۱٤.

۲ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، چاپ دارالکتب الاسلامیه، ۱٤۰٥ق

۳ حداد به نقل از شولز، ۲۰۰٤، ص ۱۱۲

٤ البغدادی، الشیشانی و الانباری، مجموعه مقالات داعش، ۲۰۱٥.

٥ قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۱۰٥؛ سوره اسراء، آیه ۷۱.

٦ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ٥۲، ص ۱۲۳

نتیجه‌گیری جزئی از این تحلیل، ضرورت بازنگری در منابع آموزشی و رسانه‌ای است تا از ترویج گفتمان خشونت‌آمیز جلوگیری شود. این امر مستلزم ارجاع دقیق به منابع اصیل روایی و مبانی قرآنی و تحلیل تطبیقی میان منابع شیعه و سنی است. پژوهش‌های آینده می‌توانند با تمرکز بر تطبیق روایات و پیوند آن با زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، راهکارهایی عملی برای کاهش افراط‌گرایی ارائه دهند.[۱]

یافته‌ها

مطالعه تطبیقی روایات علائم ظهور نشان می‌دهد که احادیث شیعه و اهل سنت در بسیاری از نکات اصلی اشتراک دارند، اگرچه جزئیات و تفسیرها متفاوت است. یکی از یافته‌های مهم این پژوهش آن است که محوریت مهدویت و انتظار ظهور، هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت مورد تأکید قرار گرفته است. در منابع شیعه، امام مهدی(عج) به‌عنوان دوازدهمین امام و حجت زنده خدا شناخته می‌شود و احادیث به تفصیل زمان، مکان و ترتیب حوادث آخرالزمان را بیان می‌کنند (شیخ طوسی، الغیبة، ۱۴۰۷ق؛ مجلسی، بحارالانوار، ج۴۸)

در منابع اهل سنت، ظهور مهدی به‌عنوان منجی مورد اشاره است اما اطلاعات مربوط به غیبت و جزئیات سلسله حوادث کمتر است (مسند احمد، سنن ابن ماجه). در هر دو سنت، خروج سفیانی و جنگ‌های شام و دابق از جمله نشانه‌های مهم ظهور ذکر شده است (صحیح مسلم، ج۱، ۱۴۰۵ق). مطالعه تطبیقی نشان داد که جریان‌های تکفیری معاصر مانند داعش و القاعده، با تأکید بر روایات دابق و رایات السود، تلاش کرده‌اند مشروعیت دینی برای عملیات خشونت‌آمیز خود ایجاد کنند و این امر بیانگر سوءاستفاده ابزارگونه از منابع اسلامی است.

)حداد به نقل از شولز، ۲۰۰۴؛ (Esposito, 2002

از منظر قرآنی، آموزه‌های مربوط به ظهور منجی و انتقام الهی، زمینه تفسیرهای متفاوت در جوامع اسلامی را فراهم کرده است. آیاتی چون:

وَإِنَّ يَوْمَ القِيامَةِ لَمِيقْتٌ يُفْصَلُ فيه بَينَ الناس» (الزمر، ۶۷)

و

وَاللَّهُ يُسْتَخْلَفُهُ فِي الْأَرْضِ مَنْ يشَاءُ» (النور، ۵۵)

به‌عنوان اصولی بنیادین، جایگاه حاکمیت عدل و اجرای حکم خداوند را تبیین می‌کنند و مبنای فکری در تحلیل روایات ظهور به شمار می‌روند.

---

۱ اسماعیل پناهی، مهدویت و جریان‌های تکفیری، تهران: پژوهشگاه علوم اسلامی، ۱۴۰۲

تحلیل منابع نشان داد که جریان‌های تکفیری با برداشت گزینشی از روایات، برخی از نشانه‌ها مانند رایات السود و دابق را به عنوان مشروعیت‌دهنده خشونت و ترویج جنگ بر علیه دیگر مسلمانان یا مخالفان، استفاده کرده‌اند. این سوءاستفاده، علاوه بر تحریف معنا، موجب القای حس اضطراب و انتظار فعالانه میان پیروان این (Scholz, 2004)گروه‌ها شده است.

علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهند که تفاوت میان شیعه و اهل سنت در جزئیات ظهور، فرصت‌های متفاوتی برای سوءاستفاده فراهم کرده است. در منابع شیعی، تمرکز بر شخصیت امام مهدی(عج) و غیبت او موجب شده است که تفسیرهای سیاسی و نظامی محدود به افراد یا گروه‌های مشخص شود. اما در منابع سنی، برداشت‌های پراکنده و گاه کلی‌تر، امکان بهره‌برداری گسترده‌تر توسط جریان‌های جهادی را فراهم ساخته است.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که علائم ظهور در منابع اسلامی، هم از حیث محتوای دینی و هم از منظر تحلیلی، ساختاری غنی و دقیق دارد. این علائم، در بستر تاریخی و اجتماعی، ابزاری قابل بهره‌برداری برای جریان‌های افراطی و تکفیری شده‌اند. جریان‌های معاصر با انتخاب گزینشی روایات و تأکید بر برخی نشانه‌ها، مانند دابق و رایات السود، مشروعیت نمادین برای اعمال خشونت و جنگ طلبی فراهم کرده‌اند.

یافته‌های قرآنی نیز نشان می‌دهد که اصول حاکمیت الهی، اجرای عدالت و انتظار تحقق وعده‌های خداوند، محور اصلی روایات ظهور را تشکیل می‌دهند و سوءاستفاده جریان‌های تکفیری با این آموزه‌ها در تضاد است. به بیان دیگر، برداشت‌های گزینشی از روایات و عدم توجه به مبانی قرآنی موجب تحریف مفهوم مهدویت و علائم ظهور شده است.

پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده با تمرکز بر تحلیل تطبیقی قرآنی و روایی، علاوه بر بررسی منابع شیعه و سنی، نقش رسانه‌ها و فضای مجازی در تقویت یا تعدیل برداشت‌های خشونت‌آمیز از این روایات مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین، ایجاد کارگاه‌های آموزشی در جوامع اسلامی با هدف فهم صحیح روایات و کاهش بهره‌برداری افراطی، می‌تواند تأثیرگذاری جریان‌های تکفیری را کاهش دهد.

پیشنهادها و کاربردهای پژوهشی

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، که به تحلیل تطبیقی علائم ظهور در منابع اسلامی و ارتباط آن با جریان‌های تکفیری پرداخته و بر مبانی قرآنی تأکید کرده است، چند محور اصلی برای پیشنهادهای پژوهشی و کاربردهای علمی می‌توان ارائه داد:

اول، پیشنهادهای پژوهشی برای مطالعات آینده:

۱. پژوهشگران می‌توانند مطالعه مشابهی را در حوزه دیگر جنبش‌های افراطی اسلامی انجام دهند و مقایسه‌ای میان نحوه بهره‌برداری از روایات آخرالزمانی در گروه‌های تکفیری و جهادی مختلف ارائه دهند. این نوع پژوهش‌ها می‌تواند به شناسایی الگوهای استفاده از منابع دینی در مشروعیت‌بخشی سیاسی و نظامی کمک کند. (Esposito, 2002; Haddad, 2004)

۲. بررسی تطبیقی میان منابع شیعه و اهل سنت در حوزه روایات علائم ظهور با تأکید بر سند و دلالت، می‌تواند زمینه را برای تحلیل‌های دقیق‌تر در زمینه تحریف و سوءاستفاده مدرن از روایات فراهم کند. به ویژه، مطالعه دقیق منابع دست‌اول مانند بحارالانوار علامه مجلسی، الغیبة شیخ طوسی و آثار شیخ صدوق برای استخراج الگوهای تفسیری و تطبیقی ضروری است.

۳. تحقیق آینده می‌تواند به ارتباط میان متون دینی و پیامدهای اجتماعی-سیاسی بپردازد و بررسی کند که چگونه روایات و نشانه‌های ظهور به عنوان ابزار نمادین و روانی، توده‌ها را به مشارکت در خشونت‌های تکفیری سوق می‌دهد. این تحلیل می‌تواند با استفاده از روش‌های تحلیل محتوا و جامعه‌شناسی دین انجام شود.
(Schulze, 2004)

۴. پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده، به ویژه، روایت‌های کمتر شناخته‌شده یا محلی از منابع اهل سنت و شیعه را مورد توجه قرار دهد تا هم نقایص موجود در فهم علائم ظهور مشخص شود و هم امکان مقابله علمی و آگاهانه با سوءاستفاده‌های گروه‌های افراطی فراهم شود.

کاربردهای پژوهشی و عملی

۱. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به مسلمانان، متولیان دینی و مراکز آموزشی کمک کند تا درک بهتری از علائم ظهور داشته باشند و آگاهی خود را نسبت به تحریف‌های احتمالی جریانات تکفیری افزایش دهند.

۲. پژوهش حاضر می‌تواند به مرکزهای امنیتی و پژوهشی حوزه مطالعات تروریسم کمک کند تا استراتژی‌های مقابله با جریانات افراطی را طراحی کنند، چرا که نشان می‌دهد گروه‌هایی مانند داعش چگونه از روایات آخرالزمانی برای تثبیت مشروعیت و انگیزش خشونت‌آمیز بهره می‌برند.

۳. یافته‌ها امکان استفاده در طراحی برنامه‌های آموزشی و رسانه‌ای دینی را فراهم می‌کند تا مردم به ویژه جوانان، با آگاهی از تحریف روایات و پیامدهای سوء استفاده، آمادگی مقابله فکری و فرهنگی داشته باشند.
۴. نتایج این تحقیق می‌تواند به تقویت مطالعات بین‌المللی در زمینه مذاهب و تروریسم کمک کند و در تدوین سیاست‌ها و تحلیل‌های منطقه‌ای و بین‌المللی کاربرد داشته باشد.
۵. به عنوان کاربرد پژوهشی عملی، کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی دیجیتال می‌توانند با توجه به نتایج این پژوهش، مجموعه‌ای از منابع معتبر را برای مطالعات تطبیقی و مقابله با تحریف روایات آماده کنند و امکان دسترسی سریع پژوهشگران و مراکز امنیتی را فراهم آورند

منابع

اسماعیل پناهی، محمد. (۱۴۰۲). **تحلیل گفتمان جریان‌های تکفیری در خاورمیانه**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ابن ماجه. (۱۴۰۵ق). **سنن ابن ماجه**. دارالکتب الاسلامیه

ابن حجر عسقلانی. (۱۴۲۰ق). **فتح الباری**. دار المکتبة العلمیه

ابن ماجه، محمد بن یحیی. (۱۴۲۰ق). **سنن ابن ماجه**. بیروت: دار احیاء التراث العربی

البغدادی، ابوبکر؛ الشیشانی، احمد؛ البریطانی، محمد. (۲۰۱۴). **داعش و روایت‌سازی آخرالزمانی**. لندن: مرکز مطالعات امنیتی

جعفری، حسین. (۱۳۹۷). **مبانی غیبت و انتظار در مذهب شیعه**. تهران: انتشارات دانشگاه

حداد، م. (۲۰۰۴). **تأثیر روایات آخرالزمانی بر جریان‌های تکفیری معاصر**. ترجمه: شولز. تهران: نشر معاصر

رسول اکرم(ص)، الاحقاق الحق، صفحه ۱۴۵

شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۴). **الغیبة**. قم: مؤسسه الاعلام الاسلامی

شیخ طوسی. (۱۴۰۵ق). **الغیبة**. دارالکتب الاسلامیه

حداد، م. (۲۰۰۴). **تأثیر روایات آخرالزمانی بر جریان‌های تکفیری معاصر**. تهران: نشر معاصر

علامه مجلسی، م.ب. (۱۴۰۴ق). **بحارالانوار (ج ۵۲)**. دار الاسلام

قرآن کریم. (۱۴۰۰ق). **مصحف شریف**. دارالکتب الاسلامیه

قرآن کریم، سوره قصص، آیه ۵

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). ب**حارالانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی

مسند احمد. (۱۴۱۲ق). **دارالکتب العلمیه**

Cook, D. (2008). **Contemporary Muslim Apocalyptic Literature**. Syracuse University Press.
Cook, D. (2002). **Studies in Muslim apocalyptic**. Princeton: Darwin Press

Esposito, J. (2002). The Oxford History of Islam. Oxford University Press.
McCants, W. (2015). The ISIS Apocalypse: The History, Strategy, and Doomsday Vision of the Islamic State. St. Martin's Press.
Scholz, F. (2004). **Jihadism and Apocalyptic Narratives**. ProQuest Dissertations.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

ارجاع: یوسفی جعفرصادق، افسری لیلا، سبحانی یامچی محمد، تحلیل تطبیقی علائم ظهور در روایات اسلامی با تأکید بر مبانی قرآنی و نسبت آن با جریان های تکفیری، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۶، شماره ۶۳، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۲۲۵-۲۱۰.